

یادداشت

وقتی تولید سریال‌های داخلی جوابگو نیست

واردات سرگرمی

سیدرضا صائمی



وارد تابستان شدیم و ماه رمضان هم نزدیک است. همین دو مناسبت کافی است تا بار دیگر انبوهی از سریال‌های تلویزیونی از شبکه‌های مختلف در نوبت پخش قرار بگیرد. برخی از آنها مثل «توان» که راه را رسیدند و روی آنتن رفتند و برخی دیگر نیز مثل «فاصله‌ها» به زمان پخش نزدیک شده‌اند. جالب اینکه در شرایط حاضر بسیاری از بازیگران سینما برخلاف گذشته به سریال‌های تلویزیونی تن می‌دهند و در آن حضور می‌یابند. فراتر از این حتی شاهد حضور کارگردان‌های مطرح سینما در عرصه سریال‌سازی هستیم که پیشتر در شأن حرف‌های خود نمی‌دانستند که در سطح تلویزیون کار کرده و سریال بسازند. مثلاً برای سریال‌های مناسبتی ماه رمضان امسال کارگردان‌هایی مثل حسن فتحی و پرویز شیخ‌طادی و... مسوولیت ساخت سریال‌های ماه رمضان را بر عهده دارند. با این حال همچنان این سوال باقی است که چرا با وجود تنوع و تعدد سریال‌سازی و ارتقای تولید آن در سطح کارگردان‌های سینما، سریال‌های ایرانی شاهد ریزش مخاطب بوده و بدتر از این بسیاری از آنها جذب سریال‌های سخیف و سطحی شبکه‌های ماهواره‌ای شده‌اند که ظاهراً این روزها بازار داغی دارد و بسیاری از تماشاگران خودی را غر زده است. در حالی که این مجموعه‌ها نه قصه و داستان بکری دارد، نه سویه تکنیکی و اجرایی آن قابل تامل است و نه بازیگران مطرح و نام‌آشنایی دارد. ضمن اینکه دوبله این مجموعه‌های سریالی فاقد توانمندی، جذابیت و حتی تنوع است و محدود شده به دو سه نفر از افرادی که نه صدای خوبی دارند، نه مهارت کافی در دوبله کردن. اتفاقاً این فقدان، این سوال را مطرح می‌کند که واقعاً چرا با همه این عوامل و جذابیت ظاهری و باطنی که در سریال‌های تلویزیونی به چشم می‌خورد باز هم بسیاری از مخاطبان پای این برنامه‌ها می‌نشینند و جالب اینکه طیف بینندگان این سریال‌ها تا سطح افراد تحصیلکرده جامعه نیز گسترش یافته است. البته قرار نیست در این یادداشت به واکاوی روانکاوانه و جامعه‌شناختی این میل مبتدل در سطح جامعه بپردازیم و همه چیز را با سطح شعور تماشاگران اندازه بگیریم. کمی هم از حیث تولید آثار تلویزیونی و تمهیدات مدیریت رسانه‌ای نیز می‌توان به این مساله توجه کرد و به راهکارهای اثربخشی دست یافت. به

هرحال صدا و سیما نمی‌تواند یکنه تک‌مسئولیت تولید و تامین سریال‌های خانوادگی و عامه‌پسند را بر عهده بگیرد یا فقط به تولیدات داخلی خود بسنده کند. صنعت سرگرمی نیز به واردات برای تامین ذائقه‌های مختلف و متنوع مخاطبان خود محتاج است. اما با توجه به اینکه کالاهای فرهنگی نیز موسسه خصوصی تربیتی و اخلاقی هم هست قطعاً سازوکارهای متفاوتی نسبت به مکانیسم بازار دارد و نمی‌تواند به ورود هر کالایی تن دهد. به نظر می‌رسد واگذاری بخشی از این مسوولیت به بخش خصوصی دست کم با نظارت دولتی بتواند یک راهکار کارآمد در تامین نیازهای فرهنگی جامعه باشد. موسسه بخش دنیای هنر با بهره‌گیری از برخی دوبلورهای حرفه‌ای به دوبله سریال معروف ۲۴ پرداخته که قطعاً نسبت به سریال‌های کلمبیایی این شبکه‌ها قابلیت هنری و نمایشی بهتری دارد. با حمایت‌های دولت از دوبله و نمایش این گونه سریال‌ها که اعتبار حرفه‌ای‌تر در سطح جهان دارد و امکان اکران آن در شبکه‌های نمایش خانگی، می‌توان بخشی از نیاز مخاطب به تماشای سریال‌های متفاوت از جنس آثار تلویزیونی را تامین کرد و بار مسوولیت خود را نیز در تولید مجموعه‌های تلویزیونی کاهش داد. حمایت از این فعالیت‌های فرهنگی، هم می‌تواند از آسیب‌های هنری- فرهنگی ناشی از پخش سریال‌هایی از جنس شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای بکاهد و هم اینکه محصولات سینمایی و نمایش سالم‌تری را در اختیار خانواده‌های ایرانی قرار دهد. چپ‌ساز با این کار ظرفیت‌های ناشناخته‌ای در بخش خصوصی در تولید و واردات محصولات هنری شناخته شود که همسوتر با ضرورت‌های فرهنگی کشور است. در دنیای دیجیتالِ امروز و عصر ارتباطات نمی‌توان کنترل مطلق روی مخاطبان یا کالاهای فرهنگی داشت اما می‌توان با بهره‌گیری از تمهیدات عقلمانی و دامن زدن به رقابت‌های سالم در بخش خصوصی، هم به بازار بی‌رقم صنعت فرهنگ رونق بخشید و هم شرایطی را فراهم کرد که سریال‌های جهانی‌تر و البته از حیث سینمایی، حرفه‌ای‌تر به سبد کالاهای فرهنگی خانوار اضافه شود. تکیه صرف به تولیدات داخلی موجب نوعی شتابزدگی و تولید انبوه اما کاذب در تهیه سریال‌های تلویزیونی می‌شود و در این بین تر و خشک با هم می‌سوزند. به این معنا که سریال‌های خوب و فاخر نیز ممکن است مخاطبان واقعی خود را از دست بدهد. بدیهی است همان طوری که نمی‌توان در بازارهای بیگانه را بر تولید پوشاک و خوراک بست، نمی‌توان مخاطبان فیلم و سریال را از تماشای آثار شبکه‌های تلویزیونی دیگر محروم کرد یا صرفاً به تولید سریال‌های داخلی دلخوش بود. اما می‌توان با پشتیبانی از موسسه‌های هنری در ترجمه و دوبله سریال‌های مطرح جهان دست کم از گرایش مخاطبان داخلی به تماشای سریال‌های سخیف‌شبکه‌های ماهواره‌ای جلوگیری کرد.

گفت‌وگو با چنگیز جلیلود در باره دوبله‌های تلویزیونی

جوان‌ترها پشت در ماندند

علیرضا پور یوسف

چنگیز جلیلود در عرصه دوبله از همان نسلی است که صدایشان یادآور خاطرات ماندگاری است؛ نسلی که به جرات می‌توان گفت هنوز هم در این هنر بی‌مثل و همتابند. او در سال‌های دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به محبوبیتی عجیب در بین تماشاگران دست یافت و در این عرصه تاکنون به جای بازیگران بزرگی حرف زده است که از آن جمله می‌توان به برت لنکستر، مارلون براندو، پل نیومن، ریچارد برتن، کرک داگلاس، شون کاتری و... اشاره کرد. اگرچه در کارنامه جلیلود کمتر مدیریت دوبلاژ دیده می‌شود، اما گوناگونی لحن و طنین صدایش در آثار مختلف به اندازه‌ای بود که تا سال‌ها در این عرصه یکه‌تاز میدان به شمار می‌رفت.

از ویژگی هنر او شاید تنها ذکر این نکته کافی است که او همواره برای باوراندن شخصیت و ارتباط بیشتر مخاطب با او بیان خود را به بیان بازیگر نزدیک می‌کرد که صدایشگی او به جای مارلون براندو در فیلم «اتوبوسی به نام هوس» از جمله این آثار بود. البته در کنار بازیگران خارجی نمی‌توان از تاثیر صدای او بر برخی بازیگران دهه ۵۰ ایران نیز غافل بود؛ تأثیری که شاید بخشی از شهرت و اعتبار این بازیگران بر پایه آن شکل می‌گرفت. در این سال‌ها البته جلیلود دست به تجربه‌های متفاوتی نیز زده است. حضور او در سریال «عبور از پاییز» و همچنین مجری‌گری برنامه‌ای به نام «هنر دوبله» از جمله مواردی بود که چهره تازه‌ای از او به نمایش گذاشت. اگرچه این روند در این سال‌ها با حضور دوبلورهای دیگر از جمله ناصر تهماسب در سریال «مرگ تدریجی یک رويا» یا ناصر مدحود در سریال «اغما» تجربه شده بود، اما هنوز خیلی‌ها از منتقدان سرسخت حضور دوبلورها در کارهای تصویری هستند. شاید از آن رو که دوبلورهای بزرگی چون جلیلود آنچنان در باوراندن شخصیت فیلم به مخاطب با قدرت عمل می‌کنند و صدایشان چنان بر نقش می‌نشیند که جداسازی هویت این دو از هم به تجربه‌ای ناخوشایند برای مخاطب خواهد انجامید.

با چنگیز جلیلود درباره مشکلات دوبله در سال‌های اخیر گفت‌وگویی داشته‌ایم که می‌خوانید.

در حال حاضر هنر دوبله در ایران به دو بخش دوبله تلویزیون و دوبله در استودیوهای بخش خصوصی تبدیل شده است. شما کیفیت کار در این دو بخش و تفاوت‌های آنها را چگونه می‌بینید؟
این دو بخش به لحاظ کیفیت بسیار با هم تفاوت دارند. در دوبله‌هایی که در موسسه‌های خصوصی انجام می‌شود به دلیل وجود وقت کافی و همچنین اهمیت کیفیت دوبله، کارهای بهتری ارائه می‌شود. به این معنی که مدیر یک موسسه خصوصی اگر مثلاً بخواهد فلان فیلم را با فلان مدیر دوبلاژ دوبله کند، حتی در صورت گرفتاری کاری آن مدیر دوبلاژ صبر می‌کند تا او از کار قبلی فارغ شده و در کمال آرامش وارد کار شود. در این شرایط مدیر دوبلاژ هم با دست باز دوبلورهای مورد نظر خود را انتخاب می‌کند و فیلم با کیفیت با یک تیم قوی دوبله می‌شود. از طرفی در این موسسات مدیر دوبلاژ فیلم مورد نظر را چند بار می‌بیند و این موضوع در چیدمان استاندارد دوبلورها بسیار تاثیر دارد یعنی کمبود زمان دست و پای او را نمی‌بندد.

–در خصوص ترجمه چطور؟

در این استودیوها زمان لازم و کافی برای مترجم نیز وجود دارد یعنی یک مترجم خوب و متبحر با زمانی که از طرف موسسه در اختیارش قرار داده می‌شود می‌تواند بهترین ترجمه را برای یک فیلم سینمایی در اختیار مدیر دوبلاژ قرار دهد.

–یعنی این شرایط در تلویزیون وجود ندارد؟

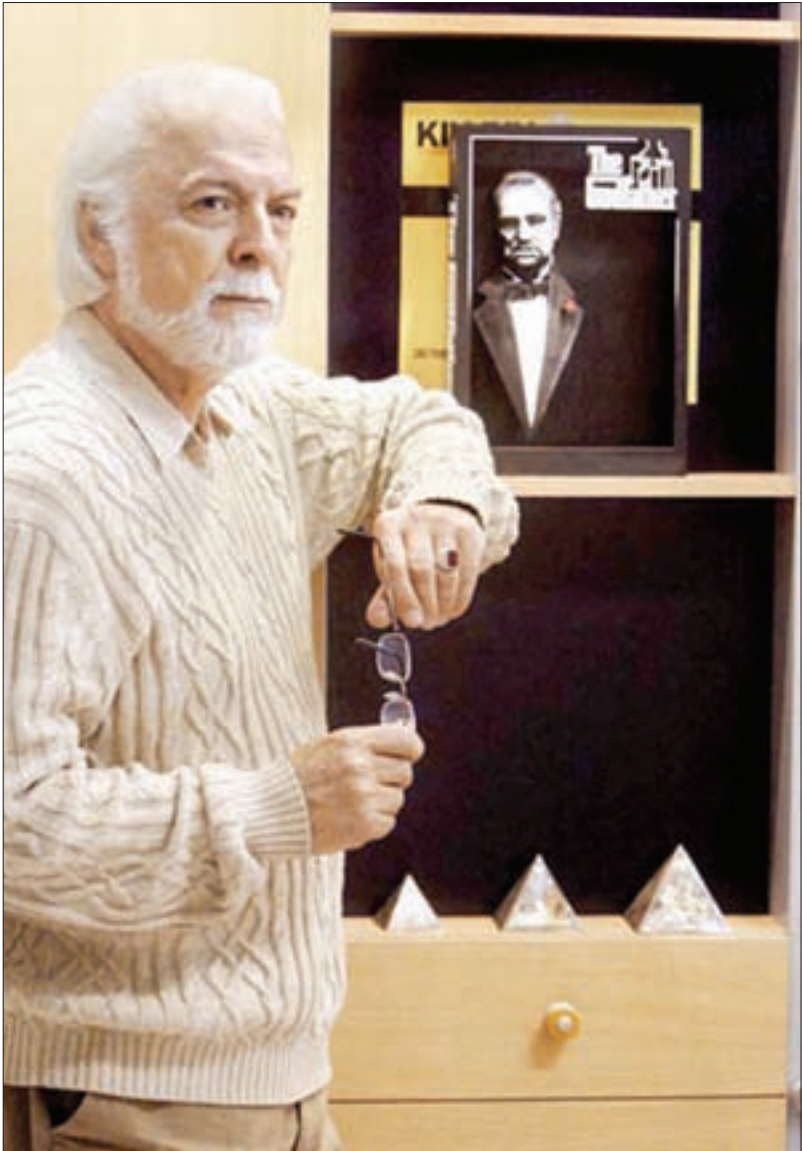
نه، در صدا و سیما این زمان وجود ندارد. اگر مدیر دوبلاژ مورد نظر در آن زمان به هر علتی نتواند وارد کار شود نفر بعدی و اگر نفر بعدی گرفتار بود نفر بعدی و... به این گونه شاید مدیر دوبلاژی انتخاب شود که هیچ گونه سنسختی با آن فیلم نداشته باشد. حالا این مدیر دوبلاژی که به این سرعت انتخاب شده با همان سرعت نیز باید تیم دوبله آن فیلم را انتخاب کند و همان پروسه نیز در اینجا طی می‌شود یعنی اولی نشد دومی و... این سرعت و عجله مسلماً در کار ترجمه نیز اثرگذار است. در تلویزیون چیزی که بیش از هر چیز اهمیت دارد زمان پخش است و کار باید با هر کیفیتی سریع روی آنتن برود. بنابراین چون کار از اول خوب پخته نمی‌شود، به خوبی نیز از تور خارج نمی‌شود. البته این صبر و دقت در برخی کارهای تلویزیون وجود دارد و گهگاه شاهد برخی فیلم‌ها یا سریال‌های خوب نیز هستیم.

–بنابراین در بررسی کیفی دوبله حال حاضر ایران باید این تقسیم‌بندی‌ها را لحاظ کنیم.

بله هر کدام از این بخش‌ها امتیازات خاص خودشان را دارند و نباید این تفاوت‌ها را فراموش کنیم. اما همان طور که گفتم مساله اساسی، زمان است چون مدیر دوبلاژها و دوبلورها در هر دو بخش یکی هستند. **–اما کیفیت دوبله در تلویزیون تا دهه ۷۰ بسیار بالا بود. به نظر می‌رسد تعدد شبکه‌ها و بالا رفتن حجم برنامه‌ها در این زمینه تاثیر داشته است.**
بله، در آن زمان یک فیلم یا سریال کار می‌شد و زمان کافی در اختیار ما بود. بنابراین کیفیت فدای زمان نمی‌شد.

–ورود دوبلورهای جوان که سال‌هاست مورد بحث استادان دوبله است چه تأثیری در این پروسه داشت؟

به هر حال عده‌ای با این موضوع مخالف هستند و بعضی موافق. ولی باید قبول کنیم این کار به خون و نفس تازه احتیاج دارد. متأسفانه اساسنامه انجمن ما طوری تنظیم شده که ورود افراد تازه را با مشکل مواجه کرده است. مثلاً در اساسنامه گفته شده است هر کس بخواهد عضو انجمن باشد باید زیر ۲۵ سال باشد، ولی مدرک لیسانس باشد و... البته عموم افرادی که می‌خواهند وارد این حرفه شوند جوان هستند. ولی در حال حاضر ما با کمبود گوینده‌هایی مواجه هستیم که به جای سنین بالا صحبت کنند چون یک جوان هر



یک بازیگر، استادان مختلفی در فیلم‌های مختلفی حرف می‌زنند؟! یعنی به قولی خاطره‌سازی به آن گونه که پیشترها بود، دیگر انجام نمی‌شود؟
بله، این هم به همان صحبت اول ما برمی‌گردد یعنی فقط انجام شدن کار بدون توجه به کیفیت یا همین خاطره‌سازی که شما از آن یاد کردید، ولی خوشبختانه در بعضی از موسسه‌های خصوصی هنوز این مسائل رعایت می‌شود. در همین موسسه ما، گوینده‌ای که به جای یک هنرپیشه صحبت کرده است، اکثراً بقیه فیلم‌های آن هنرپیشه را نیز دوبله می‌کند، مثلاً من در همین موسسه قرن ۲۱، ۱۵ بار به جای سلمان‌خان یا بروس ویلیس صحبت کردم‌ام و مخاطب نیز خوشبختانه راضی بوده است.

ولی اگر گفتگوی در استودیوی گوینده‌ای که به جای یک هنرپیشه صحبت کرده است، اکثراً بقیه فیلم‌های آن هنرپیشه را نیز دوبله می‌کند، مثلاً من در همین موسسه قرن ۲۱، ۱۵ بار به جای سلمان‌خان یا بروس ویلیس صحبت کردم‌ام و مخاطب نیز خوشبختانه راضی بوده است. ولی اگر گفتگوی در استودیوی گوینده‌ای که به جای یک هنرپیشه صحبت کرده است، اکثراً بقیه فیلم‌های آن هنرپیشه را نیز دوبله می‌کند، مثلاً من در همین موسسه قرن ۲۱، ۱۵ بار به جای سلمان‌خان یا بروس ویلیس صحبت کردم‌ام و مخاطب نیز خوشبختانه راضی بوده است. ولی اگر گفتگوی در استودیوی گوینده‌ای که به جای یک هنرپیشه صحبت کرده است، اکثراً بقیه فیلم‌های آن هنرپیشه را نیز دوبله می‌کند، مثلاً من در همین موسسه قرن ۲۱، ۱۵ بار به جای سلمان‌خان یا بروس ویلیس صحبت کردم‌ام و مخاطب نیز خوشبختانه راضی بوده است. ولی اگر گفتگوی در استودیوی گوینده‌ای که به جای یک هنرپیشه صحبت کرده است، اکثراً بقیه فیلم‌های آن هنرپیشه را نیز دوبله می‌کند، مثلاً من در همین موسسه قرن ۲۱، ۱۵ بار به جای سلمان‌خان یا بروس ویلیس صحبت کردم‌ام و مخاطب نیز خوشبختانه راضی بوده است.

دیگر با تلویزیون از سلمان‌خان کار شود، شخص دیگری به جای او صحبت می‌کند و مخاطب نیز دچار سردرگمی می‌شود. یعنی در این موسسه دوبلور یک هنرپیشه تغییر نمی‌کند، بلکه تغییر موسسه باعث تغییر دوبلر نیز می‌شود.

–اصولاً رعایت این موضوع را تا چه حد در جذب مخاطب موثر می‌دانید؟

بسیار زیاد، ولی خوشبختانه با متأسفانه چون ما سینمایی نمایش‌دهنده فیلم‌های خارجی نداریم، این ضعف‌ها کمتر به چشم می‌خورد. سینما با آن پرده‌های عریض و بلندگوهای زیاد و بزرگ که صدا هم با کیفیت بالا به گوش می‌رسد تمام زیر و بم‌های یک فیلم را نمایان می‌کند ولی در تلویزیون و قالب‌های کوچک، بالا و پایین بودن صدا، ضعف افکت‌ها، سینک نبودن صداها، موسیقی بلند یا ضعیف یا اینکه اصلاً موسیقی اُرژینال باشد یا از کار دیگری برداشته شده باشد، هیچ کدام مشخص نمی‌شود.

اگر سینمایی برای این فیلم‌ها وجود داشت، موضوع به کلی فرق می‌کرد. شاید در آن موقع تمام این ضعف‌ها باعث می‌شد مخاطب دست به اعتراض بزند و دیگر برای تماشای این فیلم به سینما نرود و کمبود مخاطب باعث می‌شد تهیه‌کننده نیز ملزم به رعایت تمام این استانداردها شود. در حال حاضر فقط فارسی‌گویی اهمیت دارد و دوبله به آن معنی سابق کمتر وجود دارد.

–در رابطه با فارسی‌گویی صحبت کردید. همان‌طور که می‌دانید متأسفانه مدتی است شبکه‌های

ماهواره‌ای به پخش سریال‌هایی درجه چندم کلمبیایی یا کرای با این نوع سخیف دوبله یا به قول شما فارسی‌گویی مشغول هستند و باز هم متأسفانه با استقبال مردم نیز روبه‌رو شده است. دلیل این استقبال چه می‌تواند باشد؟
وقتی با مخاطبان این سریال‌ها صحبت می‌کنیم خود آنها نیز به این ضعف دوبله واقف هستند ولی در جواب می‌گویند بعد از چند وقت به این دوبله‌ها عادت کرده‌اند. به نظر من آنچه در این شبکه‌ها به کار می‌رود دوبله نیست بلکه خواندن زیرنویس است. درست مانند این است که یک یا چند نفر زیرنویس فارسی آنها را به جای هم بخوانند. در آنجا چیدمان دوبلور، رعایت حس و حال هنرپیشه و باقی ظرایف دوبله اصلاً به چشم نمی‌خورد. همه فقط فارسی حرف می‌زنند و استقبال مخاطب از این سریال‌ها به عوامل دیگری برمی‌گردد.

–ما در این سال‌ها کمتر شاهد دوبله در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی هستیم، یعنی از زمانی که صدایدارانی هم سر صحنه در ایران شروع شدند، دیگر دوبله سر در فیلم‌های ایرانی کمتر به چشم می‌خورد. در صورتی که مثلاً در سریال‌های تاریخی مانند هزار داستان، بخش

رادیو

گفت‌وگو با سعید اسلام‌زاده از سردبیران شبکه جهانی صدای آشنا صدای آشنای دور سهیلا قوسی

این شبکه رادیویی در سال ۱۳۸۳ و با هدف تولید برنامه‌هایی ملی بومی برای ایرانیان مقیم خارج از کشور راماندازی شد. از اهداف اولیه این شبکه احیای زبان و ادبیات فارسی به واسطه تولید برنامه در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، فرهنگی و سیاسی در میان فارسی‌زبانانی بود که به واسطه اقامت مستمر و طولانی در فضای دور از سرزمین مادری دایره لغات دستوری و فرهنگی‌شان، به مرور محدودتر می‌شود. این شبکه به واسطه تنوع موضوعی و گسترش مخاطبان خود در سراسر جهان بیش از یک سال است که اصطلاحاً «سه کاناله» شده و از این رو عموم برنامه‌ها مجال بیشتری برای چالش و مباحثه به ویژه در حوزه فرهنگ و هنر برای شنوندگان حوزه «روپا»، آمریکا و «آسیا و اقیانوسیه» یافته‌اند. در گفت‌وگویی کوتاه با سعید اسلام‌زاده از نویسندگان و سردبیران موفق این شبکه علاوه بر بررسی شرایط برنامه‌سازی برای شنوندگان این شبکه رادیویی در خارج از کشور تفاوت‌های مضمونی و ساختاری میان جنس آثار تولیدشده در صدای آشنا و شبکه‌های داخلی را مورد کند و کاو قرار دادیم.

— — —

–شما از برنامه‌سازیانی هستید که از بدو تاسیس شبکه جهانی صدای آشنا به گروه سردبیران این شبکه پیوستید و قطعاً با ذهنیتی که از تفاوت موجود میان مخاطبان داخلی و جهانی داشتید به طراحی برنامه‌های متفاوت و ساختارشکن پرداختید. در نگاه نخست چه تصویری از خوراک فرهنگی این جنس از شنوندگان داشتید؟

من در صحبت‌های اولیه با مدیران گروه این شبکه، ضرورت پرداختن به ادبیات و شاخه‌های مختلف آن را از اولویت‌های موضوعی مهم مطرح کردم چون معتقدم ادبیات روشن‌کننده بخش‌های نهفته جامعه است؛ آینه‌ای از اجتماع که معمولاً در رسانه‌های رسمی مغفول واقع می‌شود. از سوی دیگر ایرانیان آن سوی آب‌ها حس نوستالژیکی نسبت به پیشینه زبان و ادبیات خود دارند؛ حسی که شاید هیچ‌گاه در وجود یک هموطن عادی متبلور نشود از این رو این حوزه به عنوان یکی از سرفصل‌های اصلی و محتوایی صدای آشنا قرار گرفت که تا به امروز نیز این روند ادامه داشته است. همچنین بازخوانی فرهنگ ایرانی در قالب سنت‌های شفاهی از جمله موضوعاتی بود که در ابتدای امر مورد توجه قرار گرفت و به واسطه تولید چنین برنامه‌هایی بخش نخست مخاطبان جهانی جذب این شبکه شدند.

–یک نکته مهم در اینجا وجود دارد. آیا توجه به دستور زبان فارسی در طیف گسترده برنامه‌های فرهنگی این شبکه طبق همان مانیفستی است که فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی مصوب کرده؟

خیر. ببینید به طور مثال من در برنامه‌هایی که خود مسوولیت آنها را بر عهده دارم تلاش می‌کنم بیشتر در حوزه اصطلاحات علوم انسانی واره‌های معادل فارسی را استفاده کنم. به عنوان مثال به جای واژه رالیسم معمولاً از واژه گرایشی استفاده می‌کنیم و همچنین اصطلاحاتی مشابه و هدف‌مان این است که مخاطب قوه شنوایی خود را با معادلات فارسی این واژگان لاتین که به کرات با آنها مواجه می‌شود عادت دهد و بالطبع این روند در سایر برنامه‌ها نیز ساری است.

–موضوعات مورد بحث در شبکه جهانی صدای آشنا چه تفاوتی با شبکه‌های داخلی دارد و اصولاً خطوط قرمز تعریف‌شده در این شبکه دارای چه مختصاتی است؟

طبیعتاً بخشی از سیاست‌های کلان این شبکه از سیاست‌های کلان سازمان صدا و سیما پیروی می‌کند و از این رو با شبکه‌های داخلی مشترک است اما در مجموع فضای این دایره گسترده‌تر است و به ویژه در مباحث فرهنگی تنوع موضوعی بسیار وسیع‌تر است علی‌الخصوص مباحث کارشناسی، گپ و گفت‌های هنری و تاک‌شو‌ها فضا به مراتب صریح‌تر است. همچنین در حوزه پخش موسیقی نیز اشریو موسیقایی قابل پخش این شبکه به مراتب غنی‌تر از شبکه‌های داخلی است. از سوی دیگر با توجه به این نکته که سه سالی است رویکرد بخش عده‌ای از سیاست‌گذاری‌ها در مسیر تولید برنامه‌های تفریحی قرار گرفته است و همین طور به دلیل فضای زمانی محدود این شبکه‌ها تفاوت‌های ساختاری در مقایسه با شبکه جهانی به مراتب کمتر است و بسیاری از برنامه‌سازان در حوزه‌های دشواری چون هویت ملی و گردشگری ایرانی ورود نمی‌کنند. **–نوع تعامل‌تان با مخاطبان شبکه به چه صورت است؟**

من معتقدم برقراری ارتباط با فارسی‌زبانان خارج از کشور نیازمند استفاده از روش‌های علمی و کارشناسی است که متأسفانه در امور مخاطبان این شبکه چندان آن بها داده نمی‌شود و تنها به ای‌میل‌های ارسالی بسنده می‌شود و از این روش نمی‌توان به آمار دقیقی از جمعیت هدف دست یافت، از این رو من شخصاً در حال تاسیس ویلائی برای برنامه‌های خود هستم تا از این راه به نظرسنجی علمی در خصوص نقاط قوت و ضعف کارهایم بپردازم و امیدوارم این حرکت آغازی باشد برای تحول این روش. اما جالب است بدانید مخاطبان صدای آشنا تنها منحصراً به ایرانیان خارج از کشور نمی‌شوند و بسیاری از شنوندگان داخلی نیز از مخاطبان دائم برنامه‌های جذاب این شبکه هستند.